

تاثیر سیاستهای مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی

مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

کبری املی دیوا^۱

احمد جعفری صمیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۱۸

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی تاثیر سیاستهای مالیاتی بر کارایی دولت، در شرایط آزادسازی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال های ۲۰۰۸-۱۹۹۵ است. بر اساس تعریف بنیاد هریتیج، آزادی مالیاتی یک مقیاس کیفی است بطوری که پایین ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می شود. در این مقاله سعی شده است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی، با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی- سری زمانی (پانل دیتا)، تأثیر آزادسازی مالیاتی بر کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۲۰۰۸-۱۹۹۵) مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است و از نرم افزار Estata جهت برآورد مدل مورد نظر استفاده گردیده است. نتایج حاصل از تخمین نشان می دهد رابطه منفی بین آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت در این کشورها وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون معنی دار بودن در سطح ۵ درصد نیز آن را تأیید نموده است.

واژگان کلیدی:

آزادسازی اقتصادی، آزادی مالیاتی، کارایی دولت، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

۱- کارشناس ارشد مالیاتی اداره کل امور مالیاتی استان مازندران

۲- استاد دانشگاه مازندران

۱- مقدمه

آزاد سازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل های دولتی از بازار های مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می باشد. عمده این اقدامات عبارتند از برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رها سازی قیمت‌های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت های یارانه ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه های تجاری و محدودیت های مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده های بانکی.

بنابراین، با توجه به اینکه یکی از مهمترین شاخص های آزاد سازی اقتصادی، شاخص آزاد سازی مالیاتی است، می توان از طریق شکوفا نمودن بازار رقابتی، خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تشویق صادرات و تجارت آزاد، استقبال از سرمایه گذاران و حذف مقررات زائد دولتی و انحرافات قیمتی در بازار محصول و عوامل تولید زمینه بالا رفتن کارایی و رشد اقتصادی را فراهم خواهد نمود.

با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر کارایی دولت در شرایط آزاد سازی اقتصادی در کشور های عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره (۲۰۰۸-۱۹۹۵) می باشد. برای این منظور در بخش اول روش تحقیق معرفی می شود و سپس شاخص های آزادسازی اقتصادی و آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت و روش های اندازه گیری آن ها مورد بررسی قرار می گیرد. پس از ارائه مبانی نظری در بخش سوم خلاصه ای از مطالعات انجام شده در داخل و خارج کشور آورده می شود. در بخش چهارم با معرفی الگوی اقتصادسنجی تحقیق، متغیرها و داده های تحقیق معرفی شده و در ادامه به تصریح مدل پرداخته می شود و سپس ضمن برآورد الگوی اقتصاد سنجی مورد نظر و انجام آزمون های مربوطه، خلاصه نتایج ارائه می شود.

۲- روش تحقیق و معرفی متغیرها

در این مقاله ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی نمونه آماری را تشکیل می دهند و حدود زمانی این پژوهش بین سال های ۲۰۰۸-۱۹۹۵ می باشد. به این منظور از اطلاعات شاخص آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و از شاخص کارایی دولت بانک جهانی استفاده شده است. در این مقاله سعی شده

است تا بر پایه مطالعات نظری و تجربی انجام گرفته و در قالب یک الگوی اقتصاد سنجی، با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی-سری زمانی (پانل دیتا)، رابطه بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله فرضیه زیر مورد آزمون قرار می گیرد:

- بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای مورد نظر رابطه منفی وجود دارد. با استفاده از روش های اقتصاد سنجی و الگوی رگرسیونی بین کشوری و با کمک نرم افزار E stata این فرضیات مورد آزمون قرار می گیرند.

۲-۱- شاخص آزادسازی اقتصادی

شاخص آزاد سازی اقتصادی از سال ۱۹۹۵ میلادی به صورت سالیانه به منظور بررسی عوامل موثر بر آزاد سازی اقتصادی برای اغلب کشورهای جهان محاسبه شد. از آنجایی که تعریف شفاف از آنچه که به آزادسازی اقتصادی تعبیر می شود و نیز چگونگی اندازه گیری آن وجود ندارد، این بحث دچار پیچیدگی های خاصی می شود. آزادسازی اقتصادی شامل مجموعه اقداماتی به منظور برداشتن کنترل های دولتی از بازارهای مالی، کالاها و خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم بازار می باشد. عمده این اقدامات عبارتند از: برداشتن کنترل از بازارهای مالی، رهاسازی قیمت های تحت کنترل و واگذاری تعیین قیمت به نیروهای بازار، حذف یارانه و تعدیل قیمت های یارانه ای، گرایش به نظام ارزی شناور مستقل یا شناور نظارت شده، تغییر رسمی ارزش پول، آزاد شدن تجارت خارجی و برداشتن انواع تعرفه های تجاری و محدودیت های مقداری، استفاده از مشارکت سرمایه گذاران و استقراض خارجی و آزاد شدن نرخ سپرده های بانکی^۱.

در این زمینه یکی از معروفترین شاخص های آزادسازی اقتصادی، شاخص بنیاد هریتیج^۲ می باشد، که به صورت منظم هر ساله منتشر می گردد. در تحقیق حاضر نیز از این شاخص استفاده شده است. این شاخص دامنه وسیعی از متغیرهای مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی را در بر می گیرد. عوامل دهگانه

۱- احمد جعفری صمیمی و کرم سینا، (۱۳۸۴) "جهانی شدن، شاخص ها و جایگاه اقتصاد ایران" تهران، شرکت

چاپ و نشر بازرگانی، ص ۲۶.

آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج عبارتند از: آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالیاتی، اندازه دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت، آزادی نیروی کار، آزادی از فساد. در شاخص آزادسازی اقتصادی هر ده عامل فوق از اهمیت و وزن یکسانی بر سطح آزادسازی اقتصادی هر کشور برخوردار می باشند؛ به عبارت دیگر برای تعیین امتیاز یک کشور، هر ده عامل فوق ضریب اهمیت یکسانی دارند. بر اساس شاخص ارائه شده توسط بنیاد هریتیج و به منظور اندازه گیری آزادسازی اقتصادی در هر کشور، گروهی از محققان و صاحب نظران در زمینه مسائل اقتصادی سازمان ها و موسسات در کشورهای مختلف جهان وضعیت ۵۰ متغیر مختلف اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده که در نهایت این متغیرها به ۱۰ عامل که به عوامل مهم آزادسازی اقتصادی معروف می باشند، خلاصه می شوند. همچنین به هر یک از این عوامل امتیازی بین صفر (بدترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) و صد (بهترین وضعیت از لحاظ آزادسازی) تعلق می گیرد که در نتیجه میانگین این عوامل نیز بین صفر و صد می شود. این روش محاسبه برای آزادسازی اقتصادی از سال ۲۰۰۶ به بعد صورت گرفته، و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ از اطلاعات ارائه شده براساس امتیازیک تا پنج استفاده می شد.

براین اساس کشورها از لحاظ شاخص آزادسازی اقتصادی به پنج دسته تقسیم می شوند:

- ۱- آزاد: کشورهایی با میانگین امتیاز ۸۰-۱۰۰؛
- ۲- تقریباً آزاد: کشورهایی با میانگین امتیاز ۷۰-۷۹/۹؛
- ۳- آزادی متعادل: کشورهایی با میانگین امتیاز ۶۰-۶۹/۹؛
- ۴- تاحدودی وابسته به دولت: کشورهایی با میانگین امتیاز ۵۰-۵۹/۹؛
- ۵- کاملاً وابسته به دولت: کشورهایی با میانگین امتیاز ۴۹/۹-؛

۲-۲- شاخص آزادی مالیاتی

دولت می‌تواند با قراردادن بار مالیاتی بر فعالیت‌های اقتصادی برای خود ایجاد درآمد کند، این کار در ابتدا از طریق مالیات و نیز دیونی صورت می‌پذیرد که در نهایت باید به وسیله مالیات پرداخت شود. آزادی مالیاتی، مقیاس کیفی از این بارها است، بطوری که پایین‌ترین سطح مالیات به عنوان بالاترین سطح آزادی مالیاتی تلقی می‌شود.

عامل بار مالی (مالیاتی) دولت از چهار متغیر زیر تشکیل شده است که عبارتند از:

- نرخ نهایی مالیات برای شرکت‌ها؛

- نرخ نهایی مالیات برای درآمدهای بالا؛

- نرخ نهایی مالیات برای مالیات دهندگان متوسط؛

- درآمد کل مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی؛

محققان، به منظور اندازه‌گیری بار مالی تحمیل شده دولت به شهروندان شاخص آزادسازی اقتصادی را از طریق سه متغیر نرخ نهایی مالیات بر شرکت‌ها، نرخ نهایی مالیات بر درآمد و کل درآمد مالیات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهند. نرخ نهایی مالیاتی که افراد با آن مواجه می‌باشند، تحت تأثیر قیمتی است که آن‌ها بابت فعالیت‌های اقتصادی خود می‌پردازند. آنچه که بعد از پرداخت این مالیات برای آن‌ها باقی می‌ماند، پاداش فعالیت‌های آن‌ها می‌باشد. هر چه قیمت فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد (نرخ مالیات بالا باشد)، پاداش یا سود فعالیت آن‌ها کمتر خواهد بود و برعکس هر چه قیمت پرداختی بابت فعالیت‌های بازرگانی و اقتصادی کمتر باشد، پاداش آن‌ها بیشتر خواهد بود. بنابراین هر چه نرخ مالیات بیشتر باشد، درجه آزادسازی اقتصادی کمتر می‌شود. هر چند نرخ مالیات بر درآمد افراد و شرکت‌ها برای آزادی اقتصادی بسیار مهم است اما مقیاس کامل و جامعی از بار مالیاتی نیست، زیرا تعداد زیادی از مالیات همچون مالیات بر حقوق، فروش و مالیات بر مشروبات الکلی، تعرفه و مالیات بر ارزش افزوده را در بر نمی‌گیرد.

یک روش برای گرفتن همه مالیات‌ها، اندازه‌گیری تمام درآمد دولت از تمامی اشکال مالیات به عنوان درصدی از کل GDP است. بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، آفریقا و اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جامع‌ترین اطلاعات مربوط به بار مالیاتی دولت را ارائه می‌نماید.

هریک از سه متغیر کمی نام برده در بالا در محاسبه شاخص آزادی مالیاتی دارای وزن یکسانی برابر یک سوم از کل فاکتور است. آزادی مالیاتی طبق معادله درجه دوم ذیل محاسبه می شود:

$$FF_{ij} = 100 - \alpha (\text{Component}_{ij})^2$$

FF_{ij} آزادی مالیاتی را در کشور i برای بخش j ام و Component_{ij} امتیاز آن جزء در کشور i برای بخش j ام را بیان می کند α ضریبی است برابر با عدد 0.03 است. کمترین امتیاز برای هر بخش صفر است که در معادله نوشته شده بیان نشده است اما مورد استفاده قرار گرفته است و به این معنی است که هیچ بار مالیاتی بر روی دو بخش دیگر نخواهد بود.

۲-۳- شاخص کارایی دولت

در ربع آخر قرن گذشته با انتقادهایی که از ناکارآمدی پدیده دولت بزرگ صورت گرفت و پس از بررسی های مفصل درباره ساز و کارهایی که در کشورهای جهان سوم اعمال می شد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) در سال های آخر دهه ۱۹۹۰ شاخص های دولتی را تدوین و ارائه کردند که یکی از آنها کارایی دولت است. بانک جهانی در گزارش شاخص های عملکرد دولت^۱، کارایی دولت را ، کیفیت خدمات عمومی ، کیفیت خدمات شهری ، درجه استقلال از فشارهای سیاسی ، کیفیت تنظیم و اجرای سیاست و اعتبار تعهدات دولت برای آن سیاست ها بیان کرده است. در سالهای اخیر بانک جهانی شش شاخص مهم مربوط به چگونگی مداخله دولت و ارتباط آن با مردم و همچنین چگونگی ایفای نقش دولت و عملکرد آن را منتشر نموده است .

این شاخص ها عبارتند از : ۱- توجه به دیدگاه و نقطه نظرات مردم توسط دولت ۲- ثبات سیاسی ۳- کارایی دولت : صلاحیت دستگاه اداری و کیفیت خدمات عمومی ارائه شده به مردم را اندازه گیری می کند . ۴- کیفیت قانون گذاری ۵- نقش قانون ۶- کنترل فساد .

1- Kaufmann Daniel, Aart Kraay, Massimo Mastruzzi(2007) ,“The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics,” Washington, D.C, World Bank Policy Research Working Paper No. 4149 pp.43-56.

براساس طبقه بندی بانک جهانی کشورها از لحاظ عملکرد شاخص های فوق به چهار دسته تقسیم می شوند :

۱- عالی : کشورهای با میانگین امتیاز ۸۰ تا ۱۰۰؛

۲- خوب : کشورهای با میانگین امتیاز ۷۰ تا ۷۹/۹؛

۳- تا حدودی خوب : کشورهای با میانگین امتیاز ۶۰ تا ۶۹/۹؛

۴- ضعیف : کشورهای با میانگین امتیاز ۵۰ تا ۵۹/۹؛

۵- بسیار ضعیف : کشورهای با میانگین امتیاز ۴۰ تا ۴۹/۹؛

دامنه شاخص های فوق بین ۱ تا ۱۰۰ می باشد که هرچه شاخص های فوق به عدد ۱۰۰ نزدیکتر باشند ، نشان دهنده عملکرد مطلوب کشور در زمینه آن شاخص می باشد و هرچه به امتیاز نزدیکتر باشد، نشان دهنده سطح پایین تر کارایی دولت در آن کشور می باشد.

۳- مبانی نظری

در ادبیات اقتصادی در ارتباط با دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی دیدگاه ها و نظریه های متفاوتی وجود دارد. به طور کلی این دیدگاه ها را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: در **دیدگاه اول** تصور بر این است که در حیطه فعالیت های اقتصادی، رشد اقتصادی در مرحله نخست اهمیت قرار دارد و بایگیری همه جانبه آن رفاه کل جامعه را می توان به حداکثر رسانید و طبیعتاً توزیع عادلانه درآمد در این راستا به عنوان یک اصل مطرح نمی شود، ولی در عین حال در این روند رفاه قشرهای پایین جامعه نیز افزایش می یابد. رشد سریع اقتصادی نیز با واگذاری تصمیم گیری های اقتصادی بر عهده افراد یا نهادهای خصوصی که با هم در حال رقابت هستند میسر است. در این دیدگاه فرض بر این است که بهره وری فعالیت های اقتصادی دولت به مراتب پایین تر از بخش غیر دولتی است و مقررات و مداخله دولت ، به ویژه در بازارهای سرمایه و کار و کالاهای قابل تجارت مانع از آن می شود که افراد و بنگاه ها، سود آورترین راه های سرمایه گذاری را آزادانه انتخاب کنند. بدین سان ، دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی عملاً موجب تخصیص نامطلوب منابع می شود. گذشته از آن ، عملکرد دولت اغلب همراه با نوعی رهبری غیر کاراست و بسیاری از سیاست های پولی و مالی که اتخاذ می کند ، موجب می شود انگیزه های اقتصادی خراب شده و کارایی سیستم کاهش یابد.

دیدگاه دوم، نقش دولت را در توسعه اقتصادی مسلم دانسته و در این راستا، حجم وسیعی از فعالیت های اقتصادی دولت را به منزله قدرت بیشتر برای به حرکت در آوردن موتور توسعه اقتصادی تصور می کند نقش مثبت دولت در هماهنگ کردن سلیقه های فردی و اجتماعی و در عین حال، ایجاد امنیت و افزایش سرمایه گذاری های موثر و فراهم کردن جهت گیری اجتماعی مطلوب برای رشد و توسعه اقتصادی از نکات عمده ای است که دخالت وی در امور اقتصادی را توجیه می کند. این دیدگاه، بیشتر از سوی اقتصاددانان قاره اروپا، بجز انگلستان و به خصوص آلمان مطرح شد. آنان سیستم اقتصاد را در دو بعد خصوصی و دولتی بررسی می کردند. دیدگاه های مطرح شده در زمینه دخالت دولت در اقتصاد را می توان در نظریات ماقبل کلاسیک، دیدگاه کلاسیک، دولت در اقتصاد نئوکلاسیک و کینزی، تئوری های مربوط به اقتصاد سوسیالیستی، اقتصاد اسلامی و غیره مورد بررسی قرار داد. «آدم اسمیت» به عنوان اقتصاددان کلاسیک برای دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی حوزه عمل وسیعی را مد نظر قرار نمی دهد و معتقد است رفاه اجتماعی بهینه، از طریق بازارهای رقابتی که در آن نفع شخصی، انگیزه عاملان اقتصادی است را می توان به حداکثر رسانید. از دیدگاه وی عملکرد اقتصادی دولت بر اساس تبعیت از یک نظم طبیعی است و آن عدم دخالت در بازار است. در چارچوب نظری این مکتب، دخالت دولت در مواردی مجاز شمرده می شود که به دلایلی عملکرد مطلوب دولت مورد خدشه واقع شود. این موارد در ادبیات امروز اقتصاد، به شکست بازار شهرت یافته است. اغلب نظریه پردازان این مکتب ادعا می کنند که با تحقق شرایط مفروض لیبرالیسم اقتصادی و اعطای آزادی های شخصی، منابع به نحو کارایی تخصیص خواهد یافت، ولی امروزه می توان مثال های عینی و مشاهدات تجربی فراوانی حتی در کشورهایی که مبانی نظری این مکتب حاکم است را مشاهده نمود که به رغم اعمال مقررات شدید ضد تراست هنوز نتوانسته اند کم ترین شرایط رقابتی را برای فعالیت های اقتصادی فراهم سازند، از سوی دیگر در صحنه بین المللی شرکت های چند ملیتی و انحصاری، کنترل بازارهای جهانی را در اختیار دارند و با وجود تلاش کشورهای جهان سوم حجم مبادلات بین کشورهای صنعتی و نیز بین این کشورها و کشورهای جهان سوم به مراتب بیشتر از مبادلات بین کشورهای در حال توسعه است و بطور دایم رابطه مبادله به ضرر کشورهای در حال توسعه تغییر کرده است و هر روز آزادی مبادلات تجاری کاهش یافته و حذف تعرفه ها و جهانی شدن اقتصاد مشاهده می گردد^۱. اندیشه اقتصاددانان

۱ - سعید، فراهانی فرد (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱

مکتب کلاسیک توسط اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک بسط یافت. «نئوکلاسیک» علاوه بر آزادی در فعالیت های تولیدی آزادی انتخاب در مصرف را نیز به میان کشیدند و شواهد تحلیلی بیشتری مبنی بر اینکه رقابت آزاد مصرف کنندگان رفاه اقتصادی جامعه را در الگوی رقابت کامل حداکثر می کند ارایه کردند. مطابق این اندیشه وجود دولت در صورتی سودمند خواهد بود که علاوه بر وظایف یاد شده توسط کلاسیک ها فعالیت های غیر رقابتی و انحصاری را غیرقانونی ساخته و با ابزارهایی که در اختیار دارد آنها را محدود سازد. از نظر نئوکلاسیک ها، وظیفه دولت دخالت و نظارت بر مکانیسم های غیر متمرکز بازار است و اگر کمبودهایی وجود داشته باشد آنان را اصلاح می کند. بنابراین دولت در اینجا ترجیح های فردی را محترم شمرده و وقتی دخالت می کند که تامین بهترین تخصیص منابع امکانپذیر نیست. به علاوه در این دیدگاه دولت در شرایطی مجاز به دخالت است که باعث انحراف در کارکرد کارگزاران اقتصادی نگردد که این امر در نتیجه اخذ مالیات های مقطوع و پرداخت های انتقالی خواهد بود.

در این نظریه اصل بر نظام بازار و کار آمد بودن آن است و دخالت دولت در موارد خاص و به صورت تدریجی مجاز شمرده می شود. اوضاع اقتصادی بحران سال ۱۹۲۹ و ناکامی های نظام اقتصاد کلاسیک در مورد پایان دادن به بحران مزبور و ظهور «جان مینارد کینز» در صحنه نظریه های اقتصاد کلان به همراه انتشار کتاب " اشتغال بهره و پول " توسط وی فصل جدیدی را برای دخالت دولت در امور اقتصادی و فعالیت های آن گشود.

جان مینارد کینز در واقع به دلایل عمده زیر، دخالت دولت در امور اقتصادی را تجویز کرده و حتی اندازه قلمرو فعالیت های این بخش را بصورت کلی تدوین کرده است. این دلایل عبارتند از:^۱

الف) تعادل اشتغال کامل و لزوم دخالت دولت، ب) سیاست های پولی و مالی در الگوی کینز، ج) دام نقدینگی و لزوم دخالت دولت. نقش دولت در اقتصاد کینزی را می توان در سیاست های پولی و مالی دولت خلاصه کرد. سیاست مالی عمدتاً ناظر بر خط مشی بودجه ای دولت است که از طریق آن می توان با افزایش هزینه های دولت (سیاست مالی انبساطی) و تدابیر مالیاتی (باز توزیع در آمد) به جبران افت ساختاری تقاضای کل پرداخت. در نهایت می توان گفت که نظریه دولت در اقتصاد کینزی به رغم آن که در دوره زمانی معینی شیوع عام یافت و سیاست های اقتصادی توصیه شده وی در بسیاری از

کشورها اجرا شد نتایج مورد انتظار را برآورده نساخت. او برای دولت نقش اقتصادی مهم و تعیین کننده ای جهت اشتغال کامل و توزیع مناسب تر درآمد قایل شد که حاصل آن دولتی تر شدن نظام اقتصادی و در نتیجه تخصیص غیر بهینه منابع، کاهش بهره وری، گسترش بیکاری و تورم بود. مهمترین تحول نیمه نخست قرن نوزدهم شکوفایی سرمایه داری صنعتی همراه با پیروزی نظام سرمایه داری لیبرالیستی است. رقابت آزاد اقتصادی فراگیر شده بود و دولت از هر نوع مداخله ای در امر تولید و روابط کارگر و کارفرما خودداری می کرد. شرایط رقابت و لیبرالیسم اقتصادی پیامدهای وخیمی را به دنبال داشت که مهمترین آن دو قطبی شدن جامعه بود. به دنبال پیدایش بحران های اقتصادی فقر و توزیع ناعادلانه درآمد، برخی اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند که باید اصلاحات و تجدید نظرهایی در اصول مکتب کلاسیک به وجود آید. سیسموندی با بی اساس خواندن فرضیه علمی فیزیوکرات ها و کلاسیک ها که منافع جامعه را در لوای نفع خصوصی می دانستند، دخالت دولت در اقتصاد را مطرح می کند.^۱ مجموعه عوامل و دلایلی که به طور خلاصه به آنها اشاره شده تاریخ دولتی شدن هرچه بیشتر اقتصادهای جهان از کشورهای صنعتی پیشرفته گرفته تا دنیای سوم را از دهه های آغازین قرن بیستم تا دو دهه پایانی آن رقم زد. اما رفته رفته اعتقاد و اعتماد به این مسیر در میان اکثریت اقتصاددانان رو به کاستی نهاد. ظهور تورم توام با رکود در کشورهای صنعتی در سال های پایانی دهه ۱۹۶۰ و تداوم آن در دهه ۱۹۷۰ میلادی پایه های سیاست های کینزی را به شدت متزلزل ساخت. ناکارآمدی اقتصاد دولتی منجر به تغییر سیاست های اقتصادی و روی گرداندن از رویکرد مدیریت تقاضا و کنترل بازار کینزی و روی آوردن هرچه بیشتر به مکانیسم های بازار آزاد در سال های پایانی دهه ۱۹۷۰ و طی دهه ۱۹۸۰ میلادی به ویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی شد. دو کشور پیشگام در این خصوص انگلستان (زمان نخست وزیر مارگارت تاچر) و آمریکا (زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان) بودند که به عنوان نقطه عطف و الگویی برای دیگر کشورهای بلوک غیر کمونیستی قرار گرفتند. همزمان با این تحولات در اقتصادهای غربی، در کشور کمونیستی و بسیار فقیر چین نیز اصلاحات اقتصادی به رهبری تنگ شیائوپینگ در جهت آزادسازی اقتصاد و استقرار مکانیسم های بازار آغاز شد و به سرعت نتایج درخشانی از جهت عملکرد اقتصادی و فقرزدایی به بار آورد. آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی که همزمان با فروپاشی

۱ - حسین ، نمازی (۱۳۸۲)، نظام های اقتصادی، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، صص ۷۹-۷۳.

نظام‌های کمونیستی شوروی و اروپای شرقی است، در واقع نقطه عطف مهمی در اعاده حیثیت از نظام اقتصاد آزاد به شمار می‌آید. از آن زمان به این سو، دیگر کمتر اقتصاددانی را می‌توان یافت که بی محابا همانند قبل، از دولتی شدن اقتصاد دفاع کند.

امروزه مکانیسم بازار جایگاه اصلی و محوری خود را در نظام اقتصادی و حتی سیاست‌گذاری‌ها باز یافته و دولت دیگر به عنوان جایگزین آن به هیچ وجه مطرح نیست، ولی بحث درباره حدود و ثغور ارتباط دولت و اقتصاد هنوز ادامه دارد. بررسی‌های نظری و تجربه عملی یک قرن گذشته نشان می‌دهد که برای رفع نارسایی‌ها و کمبودهای نظام بازار روی آوردن به اقتصاد دولتی راه‌حل مناسبی نیست. شکست دولت زیان‌هایی به مراتب بیشتر از شکست بازار به همراه می‌آورد. برای مرتفع ساختن آثار خارجی منفی برخی فعالیت‌ها در نظام بازار الزامات نیازی به دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیست. بخش بزرگی از این اشکالات را می‌توان با انجام اصلاحات در نهادهای اقتصادی چاره‌جویی کرد. نظریه‌های مدرن حقوق اقتصادی بر این نکته تاکید دارند که اگر حقوق مالکیت بازیگران اقتصادی به نحو مناسب‌تری تعریف و تعیین شود و نهادهای حقوقی مرتبطی در این خصوص تعبیه گردد، دامنه آثار خارجی منفی به شدت کاهش می‌یابد. در هر صورت در بهترین حالت دولت می‌تواند ابزاری در خدمت عملکرد بهتر بازار باشد.

۴- مروری بر کارهای انجام شده

تحقیقات فراوانی در زمینه رابطه بین شاخص آزادسازی اقتصادی و رشد اقتصادی، فساد، تجارت، فرهنگ، امنیت اقتصادی، ... صورت گرفته است. اما در زمینه بررسی ارتباط بین آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت تحقیقات اندکی انجام پذیرفته است. در این بخش به مرور و بررسی چند نمونه از کارهای تحقیقاتی با این موضوع می‌پردازیم:

جعفری صمیمی و آذرمند (۱۳۸۳) رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص‌های عمده اقتصاد کلان را طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۹۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری و تخمین الگوهای اقتصادسنجی، وجود یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصادی در کشورهای مورد نظر را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر افزایش سطح آزادسازی اقتصادی منجر به افزایش سطح تولید کل، رشد اقتصادی و نرخ سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم

می شود. همچنین نتایجی که از تجزیه شاخص به دست آمده است، گویای این امر است که عوامل بازار سیاه، بارمالیاتی دولت، سیاست های پولی، حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و دخالت دولت در اقتصاد با رشد اقتصادی رابطه معنی دار دارند که این نتایج مفیدتر از نتایجی است که بر شاخص های مرکب تأکید می نماید.

پژویان (۱۳۷۱) در مقاله خود با عنوان خصوصی سازی و کارایی دولت، نوع خصوصی سازی اقتصاد را به ۲ قسمت هزینه ها و درآمدهای دولت تقسیم بندی نموده است. سمت هزینه ها، عمدتاً فعالیت های تولیدی دولت، همراه با عدم کارایی ناشی از مدیریت دولتی است؛ که در نتیجه آن هزینه های بنگاه دولتی در سطح بالاتر از هزینه های بخش خصوصی قرار می گیرد. این مهم حتی دخالت دولت در امور تولید کالایی که به علل عدم کارایی بازار می تواند در چارچوب فعالیت های دولت قرار گیرد را مورد سوال قرار می دهد. در این مقاله با استفاده از توابع لاگرانژ، توابع مطلوبیت مدیر دولتی و خصوصی و محدودیت های آنها مطرح شده و سپس توابع تقاضا برای هر یک از دو مدیر استخراج شده اند. براساس بررسی انجام شده در این تحقیق هر چقدر اندازه دولت بزرگتر شود نیاز به جمع آوری درآمد مالیاتی بیشتر می شود. برای افزایش درآمد های مالیاتی یا باید نرخ های مالیاتی را افزایش داد و یا در جستجوی منابع جدید مالیاتی بود. از آن جا که به صورت معمول دولت ابتدا از منابع مالیاتی مناسبتر از نظر هدف تخصیص شروع می کند، در نتیجه افزایش نرخ های مالیاتی و برقراری مالیات های جدید با عدم کارایی بیشتر در اقتصاد همراه خواهد بود.

اکبریان مهر (۱۳۸۶) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین شاخص های ثبات سیاسی و کارایی دولت با شاخص رشد اقتصادی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پرداخته است. در این تحقیق از داده های مقطعی در دوره (۲۰۰۶-۱۹۹۶) و از جدیدترین اطلاعات منتشر شده استفاده شده است. نتایج تحقیق حاصل بیانگر این موضوع است که وضعیت ثبات سیاسی منطقه طی سال های مورد مطالعه بدتر و ضعیف تر شده است و همچنین، سطح کارایی دولت در کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کاهش یافته است. ضرایب همبستگی بین شاخص های ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی مثبت بوده که این علامت بیانگر وجود ارتباط مثبت میان دو شاخص عملکرد دولت با رشد اقتصادی است. همچنین ضریب همبستگی بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی بیشتر از ضریب همبستگی بین کارایی دولت و رشد می باشد.

پارک (۲۰۰۵)^۱ در مقاله خود رابطه بین آزادسازی اقتصادی و نقش دولت‌ها را مورد بررسی قرار داده است و به طور خاص توضیح می‌دهد که زیان قدرت دولت در مقابل آزادسازی، کاهش توانایی جمع‌آوری مالیات به خاطر حرکت بیشتر سرمایه و نیروی کار در سطح جهانی است. این مقاله بیان می‌کند که جهانی شدن بطور ذاتی مضر نیست بلکه سیاست‌های نامناسب دولت در جهت جهانی شدن است که اغلب جهانی شدن را به سوی نیروهای مخرب سوق می‌دهد. کلید اصلی این نقش در مورد کاهش ریسک‌ها و تعدیل قیمت‌ها به منظور تخصیص بهینه منابع بین بخش‌ها در دست دولت است. به عبارت دیگر تأثیر آزادسازی بر افراد و بنگاه‌ها، بستگی به این دارد که چقدر دولت‌ها به آزادسازی واکنش نشان می‌دهند. نتایج این تحقیق بیان می‌کند که، آزادسازی اقتصادی و کاهش موانع حرکت کالاها، خدمات، سرمایه و نیروی کار بین کشورها به عنوان مثال جریان سرمایه از کشورهایی با سرمایه فراوان به کشورهای فقیربنگاه‌ها، را قادر می‌سازد با نرخ بالاتری سرمایه‌هایشان به شرکت‌ها و بنگاه‌ها باز گردد.

روندی نیلی (۲۰۰۴)^۲ در مقاله‌ای با عنوان توسعه رقابت جهانی در یک اقتصاد جهانی، بر تغییر نقش دولت به نقش برنامه ریز و کنترل‌کننده اصلی اقتصاد جهانی در تهیه کالاها و خدمات، و بازار به عنوان موتور رشد اقتصادی، توجه نموده است و از آن به عنوان کارکرد اصلی دولت‌ها برای گسترش رقابت ملی در اقتصاد جهانی یاد کرده است. براساس نتایج این مقاله دولت‌ها در پی دخالت و دستیابی به سود از اقتصاد جهانی باید ۷ ویژگی را برای سیستم بازار ایجاد کنند که شامل: ۱- محرک اقتصادی برای بازار ۲- حمایت از مالکیت خصوصی ۳- سرمایه‌گذاری آزاد در بازار ۴- بازار مبتنی بر تصمیم بازار ۵- ایجاد فرصت برابر ۶- ایجاد رقابت سالم در بازار ۷- نقش راهنمایی‌کننده اجتماعی برای افزایش شغل و در پی آن افزایش درآمد و افزایش رفاه برای مردم.

1-Donghyun Park,(۲۰۰۵)" The Roles of Government in increase of Borderless of the world", "Nan yang Technological University, .

2- Dennis A. Rondinelli(2004),"Global Competition Development in the Global Economic" United Nation committee of experts on pubic Administration , Fourth session, New York ,4 -8April (2004).

اوستوکر (۲۰۰۶)^۱ در این مقاله رابطه بین آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه (حقوق صاحبان شرکت ها) را در بین کشورهای جهان طی سال های ۱۹۷۰-۲۰۰۲ بررسی کرده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که بازگشت سرمایه بین کشوری مستقیماً با افزایش آزادی اقتصادی در ارتباط است. در این مقاله از شاخص آزادسازی اقتصادی (EF) استفاده شده است. مهمترین نتایج، رابطه مثبت و مستقیم بین درصد افزایش آزادسازی اقتصادی و نرخ بازگشت سرمایه است (ضریب = ۰.۳۹۴)، رابطه معکوس بین سطح شروع آزادسازی اقتصادی و بازگشت سرمایه است (ضریب = -۰.۱۶۳). از طرف دیگر نتایج تخمین نشان می دهد که، رابطه منفی بین سطح آغازین آزادسازی اقتصادی و درصد افزایش در آزادسازی اقتصادی وجود دارد (ضریب = -۰.۲۷۷) و نتیجه پایانی اینکه بین سطح آغازین آزادسازی اقتصادی و سطح پایانی آن رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (-۰.۸۸۶).

۵- تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج

۵-۱- معرفی مدل

در استفاده از داده های ترکیبی (پنل)، از مدل ها و آزمون های خاص این روش استفاده می شود. شکل کلی مدل های داده های ترکیبی به صورت زیر می باشد:

$$Y_{it} = B_1 + \sum B_j X_{jit} + \sum \alpha_p Z_{pit} + \delta_t + e_{it}$$

در رابطه فوق Y نشان دهنده ی متغیر وابسته، X متغیر توضیحی مشاهده شده و Z نشان دهنده ی متغیرهای توضیحی غیرقابل مشاهده اثر گذار بر متغیر وابسته برای هر مقطع است که برای توضیح بهتر، این دسته از متغیرها از مقادیر اجزا خطا جدا شده است. i نشان دهنده مقطع ها یا واحد های مشاهده شده، t نشان دهنده ی دوره زمانی، j و p نشان دهنده ی تفاوت بین متغیرهای مشاهده نشده و مشاهده شده در مدل است. نماد e_{it} نشانگر خطای برآورد داده های ترکیبی است.

بر این اساس مدل کلی و اولیه تحقیق به صورت الگوی خطی زیر ارائه شده است:

$$GE = \beta_0 + \beta_1 BFit + \beta_2 TFit + \beta_3 F3Sit + \beta_4 FFFit + \beta_5 F5Fit + \beta_6 MFit + \beta_7 GSit + \beta_8 PRit + \beta_9 LFit + \beta_{10} FCit + e_{it}$$

1- Marshall.L.Ostocker(2006), " Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25, pp .583-594.

(۱) که در آن:

GE = شاخص کارایی دولت^۱، $BFit$ = شاخص آزادی کسب و کار کشور i در سال t ،
 $MFit$ = شاخص آزادی پولی کشور i در سال t ، $GSit$ = اندازه دولت کشور i در سال t ،
 $TFit$ = شاخص آزادی تجارت کشور i در سال t ، $FSit$ = شاخص آزادی مالیاتی کشور i در سال t ،
 $FFit$ = آزادی مالی کشور i در سال t ، $FIit$ = آزادی سرمایه‌گذاری کشور i در سال t ،
 $PRit$ = حقوق مالکیت کشور i در سال t ، $LFit$ = آزادی نیروی کار کشور i در سال t ،
 $FCit$ ، t = آزادی از فساد کشور i در سال t ، eit = جمله اختلال.

با توجه به مباحث ارائه شده در مطالعات نظری و درجه اهمیت متغیرها، جدول شماره (۱) طراحی شد^۲ که در آن تعداد کشورها به تفکیک شاخص‌های آزادسازی اقتصادی دسته‌بندی شده‌اند. براین اساس، شاخص‌های اندازه دولت، آزادی مالیاتی، آزادی کسب و کار از اهمیت بیشتری در محاسبه شاخص کلی آزادسازی اقتصادی برخوردار بوده‌اند، بنابراین متغیرهای ذکرشده به عنوان متغیرهای هسته انتخاب و سایر متغیرها از مدل کلی اولیه حذف گردید.

جدول شماره (۱): توزیع تعداد کشورهای منطقه براساس میانگین شاخص آزادسازی

میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین امتیاز شاخص
۸۰-۱۰۰	۷۰-۷۹/۹	۶۰-۶۹/۹	۵۰-۵۹/۹	۰-۴۹/۹	
۱	۶	۱۱	۲۲	۱۰	آزادی کسب و کار
-	۹	۱۱	۱۶	۱۴	آزادی تجارت
۱۴	۱۷	۱۰	۵	۴	آزادی مالیاتی

www.WorldBank.Org / index

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

۲- برای اطلاع از شاخص کلی آزادسازی اقتصادی و نحوه محاسبه هر یک از شاخص‌های آن رجوع شود به:

www.Heritage Foundation/ index

میانگین امتیاز شاخص	میانگین ۰-۴۹/۹	میانگین ۵۰-۵۹/۹	میانگین ۶۰-۶۹/۹	میانگین ۷۰-۷۹/۹	میانگین ۸۰-۱۰۰
اندازه دولت	۲	۵	۱۵	۸	۲۰
آزادی پولی	۸	۲	۸	۲۲	۱۰
آزادی سرمایه گذاری	۳۲	۱۳	۵	-	-
آزادی مالی	۳۸	۸	۲	۲	-
حقوق مالکیت	۳۷	۳	۴	۲	-
آزادی از فساد	۴۳	۲	۳	۲	-
آزادی نیروی کار	۱۶	۹	۹	۱۰	۵

منبع : محاسبات محقق براساس اطلاعات بنیاد هریتیج

بنابراین مدل اصلی مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از:

$$GE = \alpha_0 + \alpha_1 BF_{it} + \alpha_2 FS_{it} + \alpha_3 GS_{it} + \alpha_4 MF_{it} \quad (2)$$

لازم به توضیح است که با توجه به ارتباطی که ماهیتاً بین اجزای تشکیل دهنده آزادسازی اقتصادی وجود دارد، بین این عناصر ضریب همبستگی بالایی مشاهده می شود. برای اجتناب از بروز مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی این متغیرها به صورت جداگانه وارد الگو شده اند. و برای رفع مشکل هم خطی آزمون های لازم بین متغیر های توضیحی صورت گرفت.

۵-۲- آزمون قابلیت تخمین مدل بصورت داده های تلفیقی

قبل از برآورد مدل ها با استفاده از روش تخمین داده های تلفیقی یا پانل، باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به صورت جمعی وجود ندارد، به عبارت دیگر آیا کشورهای مورد بررسی همگن می باشند یا خیر. در صورتیکه کشورها همگن باشند، ضرورت استفاده از روش پانل وجود دارد. در این آزمون تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده های جمعی از طریق آماره زیر بررسی می شود. طبق فرضیه صفر این آزمون که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضرایب برآورد شده رگرسیون جمعی وجود ندارد، بدین معنی که لزومی به تخمین مدل با استفاده از داده های تلفیقی وجود ندارد. به عبارت دیگر از لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$Y_i = Z_i\beta + U_i \quad (۳) \text{ مدل مقید}$$

$$Y_i = Z_i\beta_i + U_i \quad (۴) \text{ مدل غیر مقید}$$

1,2,3,...

فرضیه صفر پانل بودن را مورد بررسی قرار می دهد. آماره آزمون فوق، آماره F با درجه آزادی $NT-(N+K)$ و $(N-1)$ می باشد. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر تعداد مقاطع (کشورها) برابر ۵۰؛ تعداد مشاهدات (سال ها) برابر ۱۴ و پارامترها ۴ می باشد؛ آماره آزمون F برای معادلات (۳) و (۴) عبارت خواهد بود از:

جدول ۵-۲- نتایج آزمون قابلیت تخمین مدل به صورت داده های تلفیقی

مقدار	آماره F	ردیف
۳۹.۸۱	مقدار آماره F	۱
۵.۱۴	مقدار بحرانی آماره F در سطح ۹۵٪	۲

ملاحظه می شود که آماره F برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد است و لذا فرضیه صفر مبنی بر قابلیت تخمین داده ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی شود و لازم است مدل به روش داده های تلفیقی یا پانل برآورده گردد.

۳-۵- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی

پس از اینکه اطمینان حاصل نمودیم، مدل مورد بررسی باید بصورت پانل برآورد گردد، مهمترین سؤالی که مطرح می شود این است که اثرات مقطعی بصورت ثابت (وجود اثرات ثابت) هستند یا تصادفی (وجود اثرات تصادفی). بطور کلی برای تخمین مدل های داده های پانل، دو روش وجود دارد که عبارتند از روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی. تعیین آنکه در مورد یک نمونه از داده ها کدامیک از این دو روش باید مورد استفاده قرار گیرد از طریق آزمون های خاص خود انجام می گیرد. یکی از رایج ترین این آزمون ها آزمون هاسمن^۱ می باشد. فرضیه صفر آزمون هاسمن آن است که مدل دارای اثرات تصادفی است. آماره این آزمون نیز آماره χ^2 یا کی دو می باشد. با توجه به نتایج آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می شود. بنابراین لازم است که مدل بصورت اثرات ثابت برآورد شود.

۴-۵- برآورد الگو

با توجه به مباحث ارائه شده در بخش های قبل و نتایج جدول الگوی زیر به عنوان الگوی کلی مدل استفاده شده است.

$$GE = \alpha_0 + \alpha_1 BF_{it} + \alpha_2 FS_{it} + \alpha_3 GS_{it} + \alpha_4 MF_{it} \quad (5)$$

باتوجه به نتایج بدست آمده از آزمون های مربوطه نتایج حاصل از تخمین معادله بالا به صورت زیر می باشد:

$$GE = 19.79 + 0.013 BF_{it} - 0.018 FS_{it} + 0.075 GS_{it} + 0.055 MF_{it} \quad (6)$$

$$(1.99) (1.76) (42) (0.288) (R^2 = 0.26)$$

که اعداد داخل پرانتز نشان دهنده آماره t می باشد. که با توجه به نتایج تخمین کلیه پارامتر ها دارای علامت مورد انتظار هستند و علامت آنها منطبق با انتظار تئوریک می باشد متغیرهای اندازه دولت، آزادی پولی و آزادی کسب و کار دارای رابطه مثبت با کارایی دولت بوده اند. از سوی دیگر متغیرهای آزادی

1- Hausman Test

کسب و کار برآورد شده در سطح یک درصد معنی دار می باشند و متغیرهای آزادی سرمایه گذاری و اندازه دولت نیز معنی دار می باشند. بر اساس یافته های مدل بر آورد شده بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی رابطه منفی وجود دارد. لذا انتظار می رود با افزایش شاخص آزادی مالیاتی، کارایی دولت در این کشورها کاهش یابد. بر این اساس فرضیه اصلی این تحقیق که بر اساس آن بین شاخص آزادسازی مالیاتی و کارایی دولت در شرایط آزادسازی اقتصادی یک رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد، مورد تأیید قرار نمی گیرد.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه بین شاخص آزاد سازی اقتصادی و کارایی دولت در ۵۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال های ۲۰۰۸ - ۱۹۹۵مبتنی بر روش داده های پانل بوده که یکی از مهمترین جنبه های نوآوری این مطالعه در ادبیات آزادسازی اقتصادی و رابطه آزادسازی مالیاتی با کارایی دولت محسوب می گردد. با توجه به بررسی مطالعات انجام یافته، این تحقیق برای اولین بار رابطه دوشاخه فوق را با استفاده از روش پانل دیتا و شاخص های آزادسازی اقتصادی بنیاد هریتیج و شاخص کارایی دولت بانک جهانی را مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس، مهمترین نتایج پژوهش حاضر را می توان به صورت زیر بیان نمود:

نتایج حاصل از بررسی ارتباط بین اجزای شاخص آزادسازی اقتصادی و کارایی دولت بیانگر وجود رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می باشد. به بیان دیگر با توجه به تعریف آزادی مالیاتی بنیاد هریتیج هر چه سطح مالیات بالاتر باشد، شاخص آزادی مالیاتی پایین تر است، بنابراین با توجه به رابطه منفی بین شاخص آزادی مالیاتی و کارایی دولت می توان نتیجه گرفت که هرچه سطح مالیات در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بالاتر باشد، شاخص آزادی مالیاتی پایین تر و در نتیجه کارایی دولت افزایش می یابد. نتایج تحقیق حاضر گویای این امر است که شاخص های اندازه دولت، آزادی کسب و کار، آزادی پولی شاخص هایی هستند که با شاخص کارایی دولت دارای رابطه مثبت و معنی دار هستند و سایر شاخص های دهگانه آزادسازی اقتصادی با کارایی دولت رابطه منفی دارند.

با توجه به اهمیت بحث آزادسازی اقتصادی و نقش سیاست های مالیاتی در توسعه و رشد اقتصادی کشورها و همچنین تأثیر آن بر روی کارایی دولت ها ، پیشنهاد می شود که کشور های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با برنامه ریزی و اقدامات موثر و هماهنگ در جهت تقویت سایر شاخص ها، گام های بهتری در جهت داشتن دولتی کارا تر بردارند.

از طرف دیگر پایین بودن میانگین شاخص آزادسازی اقتصادی در ایران، بیانگر این موضوع است که ایران از نظر شاخص آزادسازی اقتصادی (مطابق با تقسیم بندی بنیاد هریتیج)، از جمله کشورهای است که دولت بیشترین دخالت را در اقتصاد دارد. نظر به اهمیت بحث خصوصی سازی و اصل ۴۴ در کشورمان و این موضوع که اصل ۴۴ و خصوصی سازی به معنای کنار گذاشتن دولت نیست، پیشنهاد می شود دولت با نقش معمار جدید وارد کار شود و با برنامه ریزی مناسب در زمینه کاهش مداخله در اقتصاد و نظام های مالی و برداشتن موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای ،... زمینه ایجاد دولتی کارا تر را فراهم نماید.

منابع :

۱. آذرمند، حمید(۱۳۸۳)، "بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و شاخص های عمده در اقتصاد کلان" پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی ، دانشگاه علوم و فنون مازندران
۲. اکبریان مهر، زهرا(۱۳۸۶) ، " بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و کارایی دولت با رشد اقتصادی در کشور های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا " ، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر احمد جعفری صمیمی ، دانشگاه آزاداسلامی واحد فیروزکوه.
۳. پژوهیان ، جمشید(۱۳۷۱) ، " کارایی دولت و خصوصی سازی " ، فصلنامه مطالعات مدیریت ، سال دوم، شماره ۸ ، صفحه ۲۴-۲۸.
۴. حسینی ، سید محسن(۱۳۸۵) ، "فساد و آزادسازی اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا " ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۵. جعفری صمیمی ، کرم سینا و احمدکرم .جهانی شدن ، شاخص ها و جایگاه اقتصاد ایران ، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی ، ۱۳۸۴.
۶. دادگر،یداله (۱۳۸۱). تحلیل مقایسه ای دولت در مکاتب اقتصادی- سیاسی ، تهران: دانشگاه مفید.
۷. گجراتی، دامور(۱۳۸۷). مبانی اقتصادسنجی . ترجمه حمید ابریشمی ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
۸. گلشن ، ابراهیم (۱۳۸۵) ، "حاکمیت، دولت و اندازه حکومت " ، ویژه نامه تحول اداری ، سازمان مدیریت و برنامه ریزی ،سال دهم ، شماره ۵۲
9. Barrow, R. J. Rule of Law(2000), Democracy, and Economic Performance.
10. Chapter 2, in Gerald P. O' Driscoll, Jr., Kim R. Holmes, and Melanie Kirkpatrick, Index of Economic Freedom , Washington, D.C, Inc.(2000): p. 36.
11. Berggren, N.(1999) "Economic Freedom and Equality: Friend or Foes? " , Public Choice, Vol .100, Issue 3, September.
12. Berggren, N. (2003) , " The Benefit Of Economic Freedom ; A Survey", Independent Review ,Vol. 8 , No.2 ,Fall .
13. Depken, C. A. & Sonora, R. J. (2002)," The Asymmetric Effects of Economic freedom International Trade flows " , working paper, Texas: Department of economics University of Texas.

14. Gwartney, J. & Lawson, A. L.(2004) , “ Economic Freedom Of The World : 2004 Annual Report “ , Vancouver , BC : Fraser Institute .
15. Grubel, H. G. (1998), "Economic freedom and human welfare", Simon Fraser University, Cato journal (pp .287-304).
16. Kaufmann, D. , Aart ,K., & Massimo, M.(2008) ,"Governance Matters VII : Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007," Washington, D.C,
17. World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team &World Bank Institute Global Governance Program .
18. Kaufmann, D. , Aart ,K., & Massimo, M.(2007) “The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics," Washington, D.C, and World Bank Policy Research Working Paper No. 4149:pp.43-56
19. Linder, P. H(2008),” Welfare states, markets and efficiency: The free Lunch Puzzle Continues”, University Of California – Davis Appalachian State University, Department of History.
20. Park, D(2005)."The Roles of Government in increase of Borderless of the world “, Nan yang Technological University , Mass-ESE Essay Competition,.
21. Stocker, M. L(2005)." Equity Returns and Economic freedom", Cato institute, Cato journal 25:583-594.
22. William, W.B. & Kane, and T.(2008) Methodology: Measuring the 10 Economic Freedoms. The index of economic freedom 2008, chapter 4, Washington, and D.C: The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc.,: pp .39-55.
23. [http://www. Heritage Foundation/ Economic Freedom Index](http://www.HeritageFoundation/EconomicFreedomIndex)
24. <http://www.worldbank.org/TheGovernmentIndicator>